

یادداشت

دکتر مرندي، چهره مؤثر در حوزه بهداشت و درمان کشور

دکتر سیدحسین امامی رضوی، متخصص جراحی عمومی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و دبیر فرهنگستان علوم پزشکی ایران



سبک زندگی دکتر مرندي به عنوان یکی از پزشکان ادیب سرزمین مان بسیار خاص و متفاوت است. آنچه را بنده در ۳۰ سال آشنایی با ایشان شاهد بوده و تجربه کرده ام به طور خلاصه بیان می کنم.

سابقه همکاری من با آقای دکتر مرندي به سال ۱۳۷۲ برمی گردد. ایشان وزیر بهداشت بودند و من در یکی از معاونت های وزارت بهداشت به عنوان مشاور و قائم مقام با ایشان همکاری داشتم. بعد از آن همکاری ما ادامه داشت. از سال ۷۴ تا ۷۶ معاون ایشان در وزارت بهداشت بودم و از سال ۸۸ نیز من عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی شدم و ارتباط نزدیک تری با ایشان دارم. آقای دکتر مرندي خصوصیات ویژه بسیاری دارند که یکی از آنها، پایبندی به اعتقادات است. انسان بسیار معتقد و ولایت مداری هستند و بسیار پیگیرند تا کاری که به آن اعتقاد دارند، به نتیجه برسد. در عمل به اعتقاداتشان خیلی جدی هستند و با هیچ کسی در این خصوص ملاحظه یا تعارف ندارند.

نظم ایشان خصوصیت دیگری است که در این سال ها همیشه شاهد بوده ام. هم خودشان بسیار آدم منظمی هستند و هم دیگران را به این مسیر می کشانند. باها اتفاق افتاده که افراد در هر سطح و مقامی که بودند اگر در جلسات با تأخیر حاضر می شدند، حتما به دلیل بی نظمی یا بر خورد جدی و تذکر آقای دکتر مواجه می شدند و این موضوع اوایل برای من مایه تعجب بود. این نظم و جدیت، در پیگیری کارهایی که به افراد می سپردند هم وجود دارد.

دکتر مرندي، در حوزه نظام سلامت، پیشرو هستند. در این چنددهه که در خدمت نظام سلامت جمهوری اسلامی هستند، در هر جایگاهی که بوده اند، همیشه نوآوری هایی را در نظام سلامت کشور مان ایجاد کرده اند؛ چه زمانی که وزیر بودند و چه زمانی که نماینده مجلس بودند. سال هاست ریاست فرهنگستان علوم پزشکی را بر عهده دارند و حتی زمانی که هیچ کدام از این مسئولیت ها را نداشتند، به عنوان عضو ساده کمیته کشوری واکسیناسیون اطفال یا ایجاد انجمن علمی نوزادان، شاهد نوآوری ایشان در نظام سلامت کشور بوده ایم.

ایشان در عین حال که در کار جدی هستند، اما خارج از فضای اداری، اهل بذله گوئی و شوخی توأم با احترام هستند. این خصوصیت را در برخورد با خانواده محترمشان هم دارند و بسیار اهل خانواده هستند. یک نکته برجسته در زندگی آقای دکتر مرندي وجود دارد که شاید در برخی مسئولان کمتر دیده شود. من از سال ۷۲ به طور مستقیم با ایشان کار کرده ام و با وجود اینکه برای کارشان بسیار وقت می گذارند اما خانواده غافل نیستند. برخورد ایشان با همسر و فرزندان بسیار محبت آمیز است. همه اعضای خانواده ایشان ولایت مدار و افرادی معتقد و از نظر اعتقادی کاملا با همدیگر همسو هستند. این موضوع حاصل چیزی است؛ یکی محبتی که به خانواده دارند و عامل دیگر به قلب پاک ایشان برمی گردد و این نعمت و برکت را به ایشان عطا کرده است.

روایت دکتر مرندي از سفر به کربلا و ملاقات با صدام آیت الله خامنه ای گفتند «بروزیارت، همسرت را هم ببر»

افتاده. گفتیم: «بله، ولی من قبول نکردم.» چند دقیقه ای با من صحبت کردند و در نهایت گفتند: «صلاح این است که شما بروی.» چاره ای جز اطاعت نداشتیم، با این حال ایشان گفتند: «این بار هم همسرت را ببر، هم پست را!»

ماجرای هدیه صدام حسین به همسر وزیر ایران چه بود؟

دکتر سیدعلیرضا مرندي زمان حکومت صدام حسین، دوبار به عراق سفر کرد. یک بار به دعوت وزیر بهداشت عراق و یک بار دیگر برای دعوت از صدام حسین به اجلاس سران ایران به عراق سفر کرد. او در سفر دوم به دلیل دیدار با صدام حاضر به رفتن نبود، اما با تأکید آیت الله خامنه ای، همراه همسر و پسرش به عراق رفت. روایت دکتر مرندي از هدیه صدام حسین خاطره ای خواندنی از سفر اوست: «روزهای آخری که عراق بودیم، من بیماری سختی گرفتم و اصلا نمی توانستم از جا بلند شوم. در همین زمان، وزیر بهداشت عراق و همسرش برای خداحافظی با ما آمدند. من که اصلا نیمه بیهوش بودم و همسرم با آنها صحبت کرد. در آن ملاقات همسر وزیر بهداشت عراق، هدیه ای را به همسر من داده بودند. وقتی هنوز در خاک عراق بودیم و وارد ایران نشده بودیم، همسر من گفت که همسر وزیر بهداشت یک هدیه هم به من دادند که هنوز بازش نکردام. گفتیم: «باز کن ببینیم داخلش چیست؟» وقتی جعبه را باز کرد، هدیه از طرف رئیس صدام حسین! همسر من فکرش را هم نمی کرد که این هدیه را صدام داده باشد، عصبانی شد و خواست دستبند را از پنجره بیرون بیندازد. به او گفتیم این هدیه اموال دولتی است و ما هم هنوز در خاک عراق هستیم، این کار را نکن، مشکل سیاسی پیش می آید. در ایران، موضوع این هدیه را به آقای حبیبی معاون اول گفتیم و قرار شد که دستبند را بفروشیم و پولش را در بودجه وزارتخانه هزینه کنیم که حدود ۳۳ هزار تومان شد.»



دکتر سیدعلیرضا مرندي، در زمان وزارتش از طرف وزیر بهداشت عراق برای سفر به این کشور دعوت می شود و یکبار دیگر این سفر برای او تکرار می شود؛ سفری که دکتر مرندي می گوید به دلیل دیدار با صدام موافق رفتن به آن نبوده است. دکتر مرندي شرح ماجرای سفر به عراق را اینگونه برایمان تعریف می کند: «برای پاسخ به دعوت ارسال شده از سوی وزیر بهداشت عراق با دکتر ولایتی مشورت کردم. ایشان گفت که فرصت خوبی است، اما حتما با آقای هاشمی مشورت کن. رفتم پیش آقای هاشمی، ایشان هم گفت عجب فرصت خوبی، اما بهتر است با آقای حسن روحانی مشورت کنی، زنگ زدم به آقای روحانی که آن زمان دبیر شورای امنیت ملی بود. او هم گفت عجب فرصت خوبی، ولی بهتر است با آقا مشورت کنی. قبل از آنکه با آقا صحبت کنم، آقای هاشمی گفت که اگر آقا موافقت کردند و رفتی، حتما درباره وضع پاسدارانی که در هویزه اسیر شدند، صحبت کن. دوستان دیگر هم پیشنهادهایی دادند. رفتم خدمت آیت الله خامنه ای و گفتم چنین ماجرابی پیش آمده. ایشان گفتند: «ببین آقای مرندي! هیچ کدام از این حرف هایی که آقای هاشمی و آقای روحانی گفته اند عملی نمی شود، اما اگر در این چاه برای جمهوری اسلامی آبی نیست، برای تو نان هست. برو زیارت کن و برگرد. همسرت را هم ببر.» آقای محمدی گلپایگانی به من گفت: «آقا تو را خیلی دوست دارد، چون ایشان به شدت مخالف هستند که وزیران با خانواده سفر خارجی برونند، حالا خودشان می گویند همسرت را هم ببر.» من در این سفر با همسرم به عراق رفتم. مدتی بعد از این اتفاق دکتر ولایتی به من گفت: «قرار است سران کشورهای اسلامی به ایران بیایند. همه سران را من دعوت کرده ام جز دو نفر؛ یکی شاه اردن و دیگری رئیس جمهور عراق. این دو نفر را آقا گفته اند من نروم. قرار است نامه شاه اردن را آقای نعمت زاده ببرد، نامه عراق را هم قرار است تو ببری، چون یکبار به عراق سفر کرده ای و با آنها آشنایی.» من هم خیلی خوشحال شدم از اینکه دوباره به زیارت حضرت امام حسین (ع) می روم. بلافاصله قبول کردم. شب که به منزل رفتم به همسر من گفتم آماده باش که قرار است دوباره به عراق برویم. گفت: «چطور دوباره سفر عراق پیش آمده؟» گفتم داستان از این قرار است. خانم من گفت: «یعنی تو می خواهی با صدام دیدار کنی و دست بدهی؟» راستش آنقدر از شوق زیارت خوشحال شده بودم که اصلا به موضوع ملاقات با صدام فکر نکرده بودم. فردای آن روز به دکتر ولایتی گفتم: «من نمی روم. اصلا دیروز به فکر دیدار با صدام نبودم.» آقای ولایتی گفت: «این که نمی شود، تو قبول کردی، اگر نروی مشکل درست می شود.» گفتم: «به من ربطی ندارد، خودتان می دانید، من برای صدام نامه نمی برم.» به آقای هاشمی هم گفتم من به این سفر نمی روم. چند روز بعد آیت الله خامنه ای به من گفتند شنیده ام چنین اتفاقی

سالشمار وزیر بهداشت دهه ۶۰ و ۷۰

حوزه انتخاباتی تهران بوده و از سال ۱۳۸۸ تاکنون رئیس فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران است. دکتر مرندي جوایز متعددی از سازمان ملل و سازمان جهانی بهداشت دریافت کرده و به عنوان یکی از موفق ترین وزرای بهداشت و درمان کشور شناخته می شود. او در سال ۱۳۷۹ نشان درجه یک خدمت جمهوری اسلامی ایران را از رئیس جمهوری وقت دریافت کرد.

گذراند و سال ۱۳۵۰ بود تخصصی اطفال و سال ۱۳۵۶ -بمورد فوق تخصص نوزادان را در آمریکا دریافت کرد. دکتر مرندي، ابتدا استاد یار و سپس دانشیار دانشگاه رایت - استیت آمریکا بود و تا سال ۱۳۵۸ رئیس بخش کودکان و همزمان رئیس بخش مراقبت های ویژه نوزادان بیمارستان دانشگاهی میامی ولی بود. او وزیر بهداشت ۳ دولت، نماینده ادوار مجلس (دوره های هشتم و نهم) از

دکتر سیدعلیرضا مرندي، متولد ۱۲ آذر ۱۳۱۸ در شهر اصفهان است. او دوره ابتدایی و متوسطه را در اصفهان گذراند و سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. سال ۱۳۴۲ در رشته پزشکی فارغ التحصیل شد و در ماه خرداد ۱۳۴۲ در خلال دوره دانشگاه ۳ ماه زندانی سیاسی بود. مرندي بین سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ دوره تخصصی کودکان را در دانشکده پزشکی ویرجینیای آمریکا